



شخصیت قرآنی امام سجاد علیه السلام

مهناز رحیم پور

چکیده

این مقاله تحت عنوان شخصیت قرآنی امام زین العابدین علی بن الحسین (ع) به بررسی شخصیت و سیره قرآنی آن حضرت، با الهام از دعای مکارم الاخلاق صحیفه سجادیه می پردازد.

روش مقاله توصیفی - تحلیلی و تاریخی است که با استفاده از قرآن کریم، منابع تاریخی و روایی و سایر منابعی دینی تدوین شده است. البته با این محور که شخصیت برجسته امام سجاد (ع) علاوه بر شرافت ذاتی در علم و عصمت و فضایل اخلاقی، همچون رسول خدا (ص) تجسم عینی قرآن کریم بود. آن حضرت بر اساس متون روایی حامل نور امامت و ولایت، پس از حضرت اباعبدالله الحسین (ع) بود. و بر اساس مقتضیات و شرایط زمان مضامین عالی و شیوای تعالیم دین را در قالب دعا برای مردم تبیین می ساخت.

کلیدواژه ها: امام سجاد (ع)، شخصیت قرآنی، دعای مکارم الاخلاق.

مقدمه

ولادت چهارمین حجّت برگزیده خداوند، حضرت امام علی بن الحسین (ع) مشهور به «زین العابدین» و «سجاد» بنا به قول مشهور در نزد عامّه شیعه در سال ۳۸ق در مدینه

واقع شده است. ^۱ و رحلت آن بزرگوار در سال بین ۹۴ یا ۹۵ ق در ماه محرم (اما به اختلاف در بین روزهای ۱۲، ۱۸، ۲۲، ۲۵) یاد شده است. ^۲ از جمله مسائل اختلافی درباره این امام همام، یافتن نام و نسب دقیق مادر ارجمند ایشان است. با توجه به تحقیقات دامنه دار که برخی از پژوهشگران در عرصه تاریخ اسلام و شیعه، هنوز نظر دقیقی نمی توان در این زمینه ابراز داشت که تولد آن حضرت از مادری از شاهزادگان ساسانی به نام شاه زنان بوده است. «اما علی رغم همه اختلافاتی که در این گونه نقلها وجود داشته است اصل خبر شهرت به سزایی دارد.

از دلایل مهم شهرت امام و محبت ایشان در میان مردم، انتشار جملات زیبای آن حضرت در قالب دعا بود که همگان را به خود جذب می کرد. یکی از علمای مشهور در آن عصر زهری است - که راوی علوم آن حضرت بود و در کتاب های مختلف خود منقولات آن حضرت را آورده است - . او شیفته عبادت امام بود و درباره او گفته شده «کان الزهری اذا ذکر علی بن الحسین» و نیز جاحظ می گفت:

«درباره علی بن حسین، شیعی، معتزلی، خارجی، عامی و خاصی همه یکسان

می اندیشند و هیچ کدام تردیدی در برتری و تقدم او ندارند» ^۳.

امام سجاده (ع) در زمان خویش به نام های «علی الخیر»، «علی الاغر» و «علی العابد» شهرت داشت. مالک بن انس بر این باور بود که در میان اهل بیت رسول خدا (ص) کسی همانند امام سجاده (ع) نبوده است. ^۴ درباره ویژگی های آن حضرت گفته شده: وقتی آن حضرت وضو می گرفت رنگ چهره اش دگرگون می شد. وقتی علت را می پرسیدند، می فرمودند: آیا می دانید، در برابر چه کسی می خواهم بایستیم؟ سیره اهل بیت (ع) را در قالب الفاظ و کلمات نمی توان به رشته تحریر درآورد؛ زیرا آنان تجسم عالی و جامع کمالات و فضائل انسانی هستند و به فرمایش امیرمؤمنان علی (ع) کسی را نمی توان با آنان مقایسه کرد. و آنان که پرورده نعمت هدایت اهل بیت پیامبرند با آنان برابر نخواهد بود. عترت پیامبر (ص) اساس دین و ستون های اسرار یقین می باشند. شتاب کننده باید به آنان بازگردد و عقب مانده باید به آنان بپیوندد، زیرا ویژگی های حق ولایت، به آنان اختصاص دارد و وصیت پیامبر (ص) نسبت به خلافت مسلمین و میراث رسالت به آنان تعلق دارد. ^۵ این مقاله با استناد به منقولات تاریخی، ابتدا شخصیت قرآنی آن حضرت را بر اساس روایتی - از سوی آن

بزرگوار که در معرفی خود و اهل بیت (ع) در شام بیان شده - می پردازد . سپس به برخی از ویژگی های آن حضرت که برخاسته از اخلاق قرآنی است ، اشاره نموده در پایان به برخی از فرازهای دعای مکارم اخلاق که با الهام از آیات قرآنی بیان شده می پردازد .

شخصیت قرآنی امام علی بن الحسین (ع)

شام پایتخت بنی امیه بود . به فرمان یزید مردم جشن پیروزی گرفته بودند ، و امام سجاد (ع) و همراهانش را به صورت اسیر وارد شام می کردند . مردم به یکدیگر تبریک می گفتند . هنگام ورود خاندان نبوت (ص) به شام ، پیرمردی به آن ها نزدیک شد و گفت : سپاس خدا را که شما را کشت و نابود ساخت ، و شهرها را از مردان شما آسوده کرد و امیرمومنان یزید را بر شما مسلط نمود . امام سجاد (ع) فرمود : ای پیرمرد ! آیا قرآن خوانده ای ! آیا معنی این آیه را فهمیده ای که خدا می فرماید : « قُلْ لَا اسْتَلْکُمْ عَلَیْهِ اجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبٰی » (شوری، ۲۳/۴۲) ؛ بگو ای پیامبر ، من برای رسالت اجری جز دوستی با خویشانم را از شما نمی خواهم . پیرمرد گفت : آری خوانده ام . امام سجاد (ع) فرمود : منظور از خویشانم پیامبر (ص) در این آیه ما هستیم . ای پیرمرد ! آیا این آیه را خوانده ای : « وَاَتِ ذَا الْقُرْبٰی حَقَّه » (اسراء، ۲۶/۱۷) ؛ حق خویشان را اداکن . خویشان در این آیه ما هستیم . ای پیرمرد ! آیا این آیه را خوانده ای ؟ « وَاَعْلَمُوْا اِنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَیْءٍ فَاِنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَّلِلرَّسُوْلِ وَّلِذِی الْقُرْبٰی » (انفال، ۸/۴۱) ؛ بدانید ، از هر آن چه سود بردید ، یک پنجم آن مخصوص خدا و رسول و خویشان است . ای پیرمرد ! خویشان در این آیه ما هستیم . آیا این آیه را خوانده ای : « اِنَّمَا یْرِیْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلِ الْبَیْتِ وَّ یَطْهَرِکُمْ تَطْهِیْرًا » (احزاب، ۳۳/۳۳) ؛ همانا ، خداوند خواسته است که ناپاکی را از شما خاندان بردارد و شما را پاک و پاکیزه گرداند . این آیه در شأن ما نازل شده است . در این هنگام پیرمرد در سکوت فرو رفت و از گفته خویش پشیمان شد و گفت : تو را به خدا ، شما همانید که گفتید ؟ امام (ع) فرمود : آری ، سوگند به خدا ، بدون تردید ما همان خاندانیم . به حق پیامبر (ص) ما همان خویشاوندان هستیم . پیرمرد گریست و توبه کرد . هنگامی که این خبر را به یزید دادند دستور داد او را کشتند و به شهادت رساندند . ۶

ویژگی های شخصیت قرآنی امام زین العابدین(ع)

در وصف خلق و خوی نبوی نقل شده است: «کان خلق رسول الله(ص) القرآن؛ اخلاق رسول خدا(ص) قرآن بود». آن حضرت تجلی کتاب خدا و حقیقت عینی اسم اعظم بود.^۷ خداوند متعال درباره اخلاق آن حضرت می فرماید: «و ائتک لعلی خلق عظیم» (قلم، ۴/۶۸)؛ و به راستی تو بر خلق و خوی بزرگی هستی. اوصیای رسول خاتم(ص) نیز، با توجه به آیه تطهیر و ذکر، همتا و هم افق در علم و عصمت به آن حضرت بودند، همان گونه که اخلاق نیکوی نبوی(ص) در همه وجوه ریشه در ادب الهی داشت و توحید محض در سرتاسر رفتار آن حضرت نمایان بود، اوصیای آن حضرت نیز، به آن حضرت می ماندند. از دختران امیرمؤمنان علی(ع) فاطمه(س) نام داشت. روزی نزد جابر بن عبدالله انصاری رفت و گفت یکی از حقوق ما این است که هرگاه شما دیدید یکی از افراد خاندان ما بر سر عبادت و کوشش در راه خدا خود را به خطر انداخته، نزد او بیاید و دلسوزی کند و با تذکر او را از خطر حفظ نماید. این علی بن الحسین(ع) یادگار پدرش حسین(ع) است که بر اثر عبادت بسیار بینی اش آسیب دیده و پیشانی اش پینه بسته و زانوها و کف دست هایش آزرده شده و جانش بر اثر عبادت فرسوده گشته است. جابر نزد امام سجاده(ع) آمد و آن حضرت را دید عبادت بسیار او را خسته نموده بود. جابر به امام سجاده(ع) فرمود: ای فرزند رسول خدا(ص) آیا نمی دانی که خداوند بهشت را برای شما و دوستان شما آفریده و دوزخ را برای دشمنان شما خلق کرده است؟ چرا این همه در عبادت، خود را به رنج و زحمت می اندازید؟ امام سجاده(ع) فرمودند: ای همنشین رسول خدا(ص)! آیا نمی دانی که خداوند گناه گذشته و آینده جدم رسول خدا(ص) را آمرزید، اما با این وجود آن قدر عبادت کرد که پاهایش ورم نمود و ساق پاهایش باد کرد. شخصی به او گفت: با این که خداوند گناه گذشته و آینده تو را بخشیده، این گونه بر خود فشار می آوری؟ پیامبر(ص) فرمود: «افلا اکون عبدا شکورا»؛ آیا بنده سپاسگزار خدا نباشم؟ جابر گفت: ای فرزند رسول خدا(ص)، جان عزیزت در خطر است با این که شما از خانواده ای هستید که بلاها و گرفتاری ها به وسیله آن ها رفع می گردد و آسمان به خاطر آن ها پابرجاست. امام سجاده(ع) فرمودند: ای جابر! همواره راه پدرانم، را می پیمایم تا آن که آن ها راملقات نمایم.^۸

نفی تکلف

تکلف به معنای رنج بر خود نهادن و کاری از روی مشقت انجام دادن است.^۹ سیره نبوی^(ص) بر عدم تکلف استوار بود، و انسان‌های الهی، از هرگونه تکلف به دور و از آن بیزارند. رسول خدا^(ص) می‌فرماید: «نحن معاشر الانبياء والامناء والأتقياء براء من التكلف»؛^{۱۰} ما گروه پیامبران و امنای پروردگار از تکلف به دوریم». در سیره اوصیای پیامبر^(ص)، جایی برای تصنع و به خود بستن نبود و آنان از تکلف بیزار بودند و اجازه نمی‌دادند که دیگران نیز، با ایشان از سر تکلف و تصنع رفتار و معاشرت کنند. امیر مومنان علی^(ع)، پس از خطبه‌ای در جنگ صفین می‌فرماید: «با من چنان که با جباران سخن می‌گویند سخن مرانید و چنان که با مستبدان محافظه کاری می‌کنند، از من کناره‌جویید و با ظاهر آرای بی‌توجه‌تر تصنعی آمیزش مدارید». ^{۱۱} قرآن کریم در اواخر سوره فرقان یکی از ویژگی‌های عباد الرحمن را نفی تکلف از رفتار و حالات آنان می‌داند و می‌فرماید: «وعباد الرحمن الذين يمشون على الارض هوناً و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً» (فرقان، ۶۳/۲۵)؛ می‌فرماید: بندگانی که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند. لقمان حکیم نیز، در اندرزهای خود به فرزندش می‌فرماید: «ولا تصغر خدك للناس و لا تمش في الارض مرحاً ان الله لا يحب كل مختال فخور»؛^{۱۲} و از مردم رخ‌متاب، و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند را دوست نمی‌دارد، و در راه رفتن میانه‌رو باش و صدایت را آهسته‌ساز که بدترین آوازه‌بانگ حزان است. سیره فردی و اجتماعی امام سجاد^(ع) بر طبق سنت نبوی^(ص) و علوی^(ع)، بر اصل نفی تکلف استوار بود. کلینی از امام صادق^(ع) روایت می‌کند: روزی علی بن الحسین^(ع) در حالی که بر مرکب خویش سوار بود، بر گروهی از جذامیان گذشت که مشغول ناهار خوردن بودند. آن حضرت را دعوت کردند که با ایشان هم غذا شود. حضرت فرمود: اگر روزه نبودم می‌پذیرفتم، چون به خانه رفت خوراکی نیکو، برای آنان سفارش داد وقتی آماده شد در پی ایشان فرستاد و با آنان نشست و هم غذا شد.^{۱۲}

آن حضرت، چنان بی‌پیرایه می‌زیست که حتی به طور ناشناس سفر می‌کرد تا کسی با

او دچار تکلف نشود، از آن حضرت پرسیدند: که چنانچه شناس سفر می کنی؟ فرمود: دوست ندارم به خاطر پیوند با رسول خدا (ص) چیزی بگیرم که نتوانم مانند آن را بدهم. ۱۳ افتادگی آن حضرت به اندازه ای بود که روزی یکی از غلامان خود را برای کاری صدا زد، ولی پاسخی نشنید. بار دوم و سوم آن غلام را صدا زد و پاسخی نشنید. سرانجام از او پرسید: پسرم آواز مرا نشنیدی؟ گفت: چرا! فرمود: برای چه پاسخ ندادی؟ گفت: چون از تو نمی ترسم. آن گاه حضرت فرمود: سپاس خدا را که بنده من، از من نمی ترسد. ۱۴

انفاق و توجه به تهیدستان

سیره امام سجاده (ع) نسبت به مومنان و بینوایان آن بود که به آنان تا آخرین حد ممکن توجه نموده و معاش آن ها را تأمین نماید. شب ها کیسه ای پر از نان را در پشت خود حمل می کرد و به طور ناشناس به خانه مستمندان می رسانید. آن حضرت مصداق آیه انفاق بود آن جا که قرآن کریم می فرماید: «الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرراً و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (بقره، ۲/۲۷۴)؛ کسانی که اموال خود را شب و روز و نهان و آشکار انفاق می کنند. پاداش آنان نزد پروردگارشان بر آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شود».

بنا به روایت حمران بن اعین از امام صادق (ع)، امام سجاده (ع) از صد خانواده فقیر سرپرستی می کرد. شبانگاه غذای آن ها را حمل و با دست خود به آن ها می داد، و هیچ غذای نمی خورد، مگر آن که مقداری از آن را به نیازمندان می رسانید. آن حضرت همه اموال خود را بین مستمندان، دوبار تقسیم کرد. ۱۵ از منظر امام سجاده (ع) تلاش یک مرد برای تأمین معاش خانواده صدقه محسوب می شود. روایت شده امام سجاده (ع) بامداد از منزل بیرون می آمد و به دنبال کار و کسب مال حلال می رفت. روزی شخصی از او پرسید: کجا می روی؟ امام فرمود: می روم به اهل و عیالم صدقه بدهم. پرسید، آیا صدقه می دهی؟ فرمود: کسی که مطالبه روزی حلال کند همین روزی حلال از طرف خداوند صدقه ای است برای او. ۱۶ احسان و انفاق از ویژگی های معصومین (ع) می باشد؛ زیرا آنان اسوه های انسانیت در همه ابعاد فردی و اجتماعی می باشند، و بهترین و بافضیلت ترین مال برای

انسان آن است که به وسیله آن افراد آزاده را به بندگی و عبودیت خود در بیاورد. چون «الانسان عبید الاحسان»^{۱۷} اثر انفاق و احسان این است که فطرت‌های سالم انسانی در مقابل احسان و فضل دیگران خود را وام دار، می‌بیند. انسانی که بذل مال می‌کند و کریم است، مالش را در مسیر جذب محبت دیگران هزینه می‌کند، چنین انسانی افراد آزاده را وام‌دار سخود می‌کند و مالی که در این مسیر صرف شود هدر نرفته است. از این رو «افضل الاموال احسنها اثر علیک»^{۱۸} چه ارمغان و هدیه‌ای برای انسان زیباتر از این که در میان مردم و جامعه‌ای که زندگی می‌کند، با عزت و حرمت یاد شود. درباره سیره امام سجاد(ع) نقل شده که آن حضرت هرگاه برای خرید معاش منزل خود به بازار می‌رفت، می‌فرومود: «هرگاه به بازار بروم و همراه مبلغی پول باشد و با آن مقداری گوشت برای اهل خانه‌ام که به آن علاقه دارند، خریداری کنم، نزد من ارزشمندتر از آن است که برده‌ای را آزاد سازم».

اولوالالباب

امام سجاد(ع) از مصادیق عینی اولوالالباب می‌باشد. لبّ عقل، پاک از هر گونه آرایش است. نهادن نام عقل نیز، به دلیل خالص بودن آن از هرگونه معانی و عوارض می‌باشد. گفته شده که واژه لبّ خالص‌تر از عقل است. اما، هر عقلی لبّ و پاکیزه از ناخالصی نمی‌باشد. بنابراین خداوند احکامی را که عقل درک نمی‌کند، معلق به اولی‌الباب نموده است.^{۱۹} «ومن یوت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً و ما یدکر الا اولوالالباب» (بقره، ۲/۲۶۸)؛ و به هر که حکمت داده شود، به یقین خیر بسیاری داده شده است و جز خردمندان پند نگیرند. قرآن کریم، درباره گروهی از مومنان که اهل تفکر و تعقل و بصیرت عمیق در معرفت به ذات باری تعالی و جهان هستی و ایمان کامل هستند، تعبیر «اولوالالباب» را به کار می‌برد و می‌فرماید: «ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار لآیات لا ولی الالباب* الذین یدکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار» (آل عمران، ۳/۱۹۱-۱۹۰)؛ به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه‌هایی است. همانا خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند، و در آفرینش آسمان‌ها

وزمین می‌اندیشند [که] پروردگارا، این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی تو. پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.

در احوالات امام سجاده(ع) روایت شده که شبی برای نماز شب از بستر خواب برخاست. هنگام وضو گرفتن، چشمش به آسمان افتاد و همچنان، به ستارگان نگریست و در اندیشه خالق و خلقت آن‌ها فرو رفت و حیران و بهت زده به نگاه خود ادامه داد و همچنان، دستش در آب بود تا صبح شد و صدای اذان را شنید. ۲۰

سخن گفتن از شخصیت قرآنی امام سجاده(ع) در قالب الفاظ و کلمات امکان‌پذیر نیست؛ زیرا آنان وارث علوم نبوی(ص) و حامل مقام ولایت عظمی و صاحب عصمت کبری می‌باشند. شرافت نفسانی آنان از یک سو و معرفت و بصیرت عمیق آنان از ذات باری تعالی، آنان را انسان‌های منحصر به فرد در همه دوره‌ها گردانیده است. طاوس یمانی می‌گوید: به کنار کعبه رفتم، مردی را زیر ناودان دیدم که به نماز ایستاده و دعا می‌گفت و سخت می‌گرید، به سوی او رفتم دیدم امام سجاده(ع) است. نزدیک رفتم و عرض کردم: چرا این‌گونه خود را در فشار و زحمت افکنده‌ای؟ با این‌که دارای سه موقعیت هستی و امید آن است که هر یک از آن سه تو را از خطرات آخرت حفظ کند: نخست این‌که پسر رسول خدا(ص) هستی، دوم آن‌که شفاعت جدت رسول خدا(ص) برای تو هست، سوم نیز، رحمت الهی وجود دارد. امام سجاده(ع) به من رو کرد و فرمود: اما، در مورد نسب، آیا نشنیده‌ای که خداوند در قرآن می‌فرماید: «فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم یومئذٍ و لا یتسائلون» (مؤمن، ۱۰۱/۲۳)؛ هنگامی که در صور دمیده شود، هیچ‌گونه نسبی در میان آن‌ها نخواهد بود و از یکدیگر تقاضای کمک نمی‌کنند. اما، در مورد شفاعت، به آن نیز، اطمینانی نیست؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «ولا یشفعون الا لمن ارتضی» (انبیاء، ۲۱/۲۸)؛ آن‌ها جز در مورد کسی که خدا از او خشنود است، شفاعت نمی‌کنند. و اما، در مورد رحمت خدا، خداوند می‌فرماید: «ان رحمت الله قریب من المحسنین» (اعراف، ۵۶/۷)؛ همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. من نمی‌دانم که در صف نیکوکاران باشم. ۲۱

بنابراین معیار شخصیت از دیدگاه امام زین العابدین(ع) به حسب و نسب و شفاعت و رحمت الهی نیست؛ بلکه، به تهذیب و کسب عمل صالح و ایمان است.

در فراز پایانی این مقاله، از باب تبرک چند فراز از دعای مکارم اخلاق صحیفه را که با الهام از قرآن مجید از ناحیه امام سجاده^(ع) گفته شده است بیان می‌شود.

دوران امام سجاده^(ع)، دوره تحریف ارزش‌ها به دست بنی امیه بود که بعد از روی کار آمدن مروانیان، احکام اسلام بازیچه آنان قرار گرفت. به گونه‌ای که حجاج، عبدالملک را برتر از رسول خدا^(ص) می‌دانست و برخلاف دستورات دینی، از مسلمانان جزیه می‌گرفت و با اندک افتزایی مردم را به دست جلادان می‌سپرد.^{۲۲} از این رو، هنگامی که جامعه دچار انحراف شد و روحیه دنیا زدگی و رفاه طلبی، بر آن‌ها چیره گشت، و فساد اخلاقی و اجتماعی رواج یافت. امام سجاده^(ع) بدون آن‌که به دشمنان اسلام بهانه‌ای دهد، جهت نشر دستورات و معارف اسلام در قالب دعا و نیایش، آموزه‌های راستین دین را به مردم آموزش داد. صحیفه سجاده مشهور، شامل پنجاه و چهار دعا می‌باشد. این کتاب از نظر عبارات و محتوا و همچنین شیوایی در سطحی است که آن را «زبور آل محمد^(ص)» و «اخذ القرآن» نیز می‌گویند. دعا بیستم این کتاب، به مکارم اخلاق مشهور است.

سراغازان صلوات بر رسول مکرم اسلام^(ص) است. این دعا و ذکر شریف به طور مکرر در صحیفه دیده می‌شود و در این دعا، در فرازهای مختلف بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده شده است. این دعا که استجاب آن از جانب حضرت حق، حتمی است، حقیقت ذکر است به بلندای ابدیت که از سوی باری تعالی و تمام فرشتگان جهت ارائه رحمت و پاکی بر محمد و آل او^(ص) صادر می‌شود. قرآن کریم در این زمینه به مومنان فرمان می‌دهد که بر پیامبر^(ص) درود و تحیت بفرستند و می‌فرماید: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلّموا تسلیما» (احزاب، ۵۶/۳۳)؛ بی‌گمان، خدا و فرشتگان او بر پیامبر درود می‌فرستد، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام گوید، سلامی شایسته.

تکیه امام در پیوند دادن حضرت محمد و آل او، امری است که خداوند آن را ضمن دستور بر صلوات بر رسول آورده و اهمیت زیادی برای بیان عقاید شیعه دارد. از آن حضرت روایت شده «ان الله فرض علی العالم الصلاة علی رسول الله و قرّنا به، فمن صل علی رسول الله و لم یصل علینا، لقی الله وقد بدت الصلاة و ترک امره»^{۲۳} همراهی محمد و آل

محمد (ص) می تواند تاثیر مهمی در موضع مردم نسبت به خاندان رسول الله (ص) داشته باشد؛ زیرا زمانی بر اهل بیت (ع) گذشت که - نزدیک به سال ۹۹ هجری قمری - بر بالای منابر بر علی (ع) و فرزندانش تقیح و دشنام رایج بود.

امام سجاده (ع) پس از صلوات بر پیامبر و خاندان برگزیده اش به درگاه احدیت می فرماید: «واکفنی ما یشغلی الاهتمام به؛ پروردگارا! بر محمد و آلش درود بفرست، خود، عهده دار مهمات و گرفتاری هایم باش». کفایت حق از عبد، یعنی؛ انسان مومن از حق تعالی می خواهد که او را از اشتغالات که چون سدی در برابر آن همه برنامه های پرمفعت قرار دارد نجات دهد. زیرا اشتغالات گاهی مانع از امور مثبت می شود. انسان مومن از خداوند می خواهد زمینه هایی فراهم آورد تا بتواند با کمال اطمینان به هدف عالی و با ارزشش برسد. قرآن کریم در باب کفایت حق تعالی از بندگان می فرماید: «و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً» (نساء، ۸۱/۴)؛ بر خدا توکل کن که پشتیبانی خدا کافی است. امام سجاده (ع) در فراز دیگر می فرماید: «ولاتمحقه بالمن؛ در کار خیر از منت گذاری بر مردم محافظتم فرما.

قرآن کریم در سوره بقره می فرماید: «یا ایها الذین امنوا لاتبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی کالذی ینفق ماله رثاء الناس...» (بقره، ۲/۲۶۴)؛ ای مومنان! صدقات خود را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که برای ریا و نمایاندن به مردم، مالش را انفاق می کند. و همچنین قرآن کریم می فرماید: «الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما انفقوا منّا و لا اذی لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (بقره، ۲/۲۶۲)؛ کسانی که مالشان را در راه خدا می بخشند و به دنبال بخشش خود منت و آزاری نمی آورند، اجرشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است و نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهگین شوند. منت و اذیت در باطل کردن عمل خیر، مستقیم و غیر مستقیم تفاوتی ندارد؛ چه این که انسان کمک گیرنده رو در رو منت گذارد، چه آن که عملش را برای دیگران بازگو کند تا غیر مستقیم افراد محترمی که در ظاهر محتاج هستند در معرض منت و اذیت قرار می گیرند. زیرا که کرامت انسانی با این گونه حرکات لطمه می بیند و آبروی مسلمانی ریخته می شود.

در فرازی دیگر امام سجاده (ع)، با الهام از آیه «و یدرءون بالحسنه السیئه اولئک لهم عقبی

الدار» (عدد، ۱۳/۲۲)؛ و بدی را به نیکی برطرف ساختند، نیک فرجامی برای آخرت برای آن هاست. می فرماید:

«اللهم صل على محمد و آل محمد و ابدلني من بغضه اهل الشنن المحبة و من حسد اهل البغى المودة، و من ظنة اهل الصلاح الثقة، و من عداوة الاذنين الولاية و من عقوق ذوى الارحام المبرة و من خذلان الاقربين النصرة و من حب المدارين تصحيح المقة و من رد الملايسين كرم المعشرة و من مرارة خوف الظالمين حلاوة الامنة؛ الهی! برمحمد و آل محمد درود بفرست. از وجود مبارکت و از پیشگاه با عظمتت درخواست می کنم مرا به جای دشمنی کینه توزان از محبت، و به جای حسدورزی متجاوزان از مودت و به جای بدگمانی اهل صلاح از اعتماد و اطمینان، و به جای دشمنی نزدیکان از دوستی، و به جای بدرفتاری اقوام از خوشرفتاری و به جای بی اعتنایی نزدیکان از یاری و به جای دوستی مجاعله کاران از دوستی واقعی و به جای بی توجهی همنشینان از خوشرفتاری و به جای تلخی ترس از ستمکاران شیرینی آرامش و امنیت برخوردار ساز».

امام سجاده(ع) می فرماید آن چه این نه طایفه، در حق من رو می دارند، یا از روی جهل و غفلت و یا عمد که ریشه در ضعف ایمان آنان و یا بی توجهی به جهان آخرت است. در برابر آن همه بدی ها که از آنان نسبت به من صادر می شود، به خوبی جواب آنان را بگویم. زیرا تو در قرآن کریم می فرمایی از نشانه های اولوالالباب آن است که پیمان خود را با خدا نمی شکنند و جهت خشنودی پروردگارشان شکیبایی می ورزند و نماز به پا می دارند و از آنچه روزیشان دادیم انفاق می کنند. چه در نهان و چه در آشکارا، و بدی را با نیکی می زدایند و فرجام آن ها سرای خوش باقی است.

نتیجه گیری

شخصیت ممتاز و برجسته امام سجاده(ع) علاوه بر شرافت ذاتی و موروثی، برخاسته از علم و عصمت و تجسم عینی اخلاق قرآنی آن حضرت بود. آن جناب در دورانی می زیست که همه ارزش های دینی توسط خلفای بنی امیه دست خوش تحریف و یا بدعت

گشته بود. جامعه اسلامی به رفاه طلبی و فساد سیاسی اجتماعی و اخلاقی دچار شده بود. از این رو، جهت نشر معارف حقیقی اسلام آموزه های دینی را در قالب دعا بر مردمان تبیین می کردند. آن حضرت مصداق عینی «اولوالالباب» در قرآن است و شیوه زندگی ایشان بر اساس نفی اصل تکلف و ساده زیستی استوار بود. صحیفه سجادیه آن حضرت با الهام از قرآن در موقعیت های مختلف، جهت تبیین آموزه های راستین دین از جانب آن حضرت صادر شده است.

۱. مفید، ارشاد/ ۲.
۲. همان.
۳. حلیه الاولیاء، ح ۳؛ طبقات الکبری، ح ۵، به نقل از حیات فکری و سیاسی امامان شیعه/ ۲۲۱.
۴. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ح ۷، به نقل از حیات فکری و سیاسی امامان شیعه/ ۲۶۲.
۵. نهج البلاغه، خطبه ۳.
۶. نفس المهموم/ ۲۵۰.
۷. روح الله خمینی، شرح دعای سحر، ۲/ ۴۳۳.
۸. مناقب آل ائمه/ ۴، ۱۴۹-۱۴۸.
۹. فرهنگ معین، ۱/ ۱۱۲۷.
۱۰. مصباح الشریعه/ ۱۴۰؛ بحار الانوار، ۷۳/ ۳۹۴.
۱۱. نهج البلاغه، خ ۲۱۶.
۱۲. کافی، ۲/ ۱۲۳.
۱۳. دلشاد، سیره نبوی/ ۶۲۰.
۱۴. مفید، الارشاد، ۲/ ۳۷۳.
۱۵. اشتهاری، سیره پیشوایان/ ۲۶۵، به نقل از ابونعیم اصفهانی؛ حلیه الاولیاء، ۳.
۱۶. کلینی، کافی، ۲/ ۳۷۱.
۱۷. یشری، سیری در رساله حقوق امام سجاده (ع)، ۳/ ۲۱۸ به نقل از بحار الانوار، ۷۱.
۱۸. تصنیف غرر الحکم، ح ۸۲۸۸.
۱۹. راقب، مفردات/ ۶۸۵.
۲۰. محمدی اشتهاردی، نگاهی بر زندگی امام سجاده (ع)/ ۱۲۰، نقل از ریاض السالکین سید علی خان؛ بهترین راه شناخت/ ۳۴۸.
۲۱. بحار، ۴۶؛ کشف الغمه، ۲.
۲۲. جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه/ ۲۷۴.
۲۳. جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)/ ۲۷۵، به نقل از تاریخ جرجان/ ۱۰۸۸.